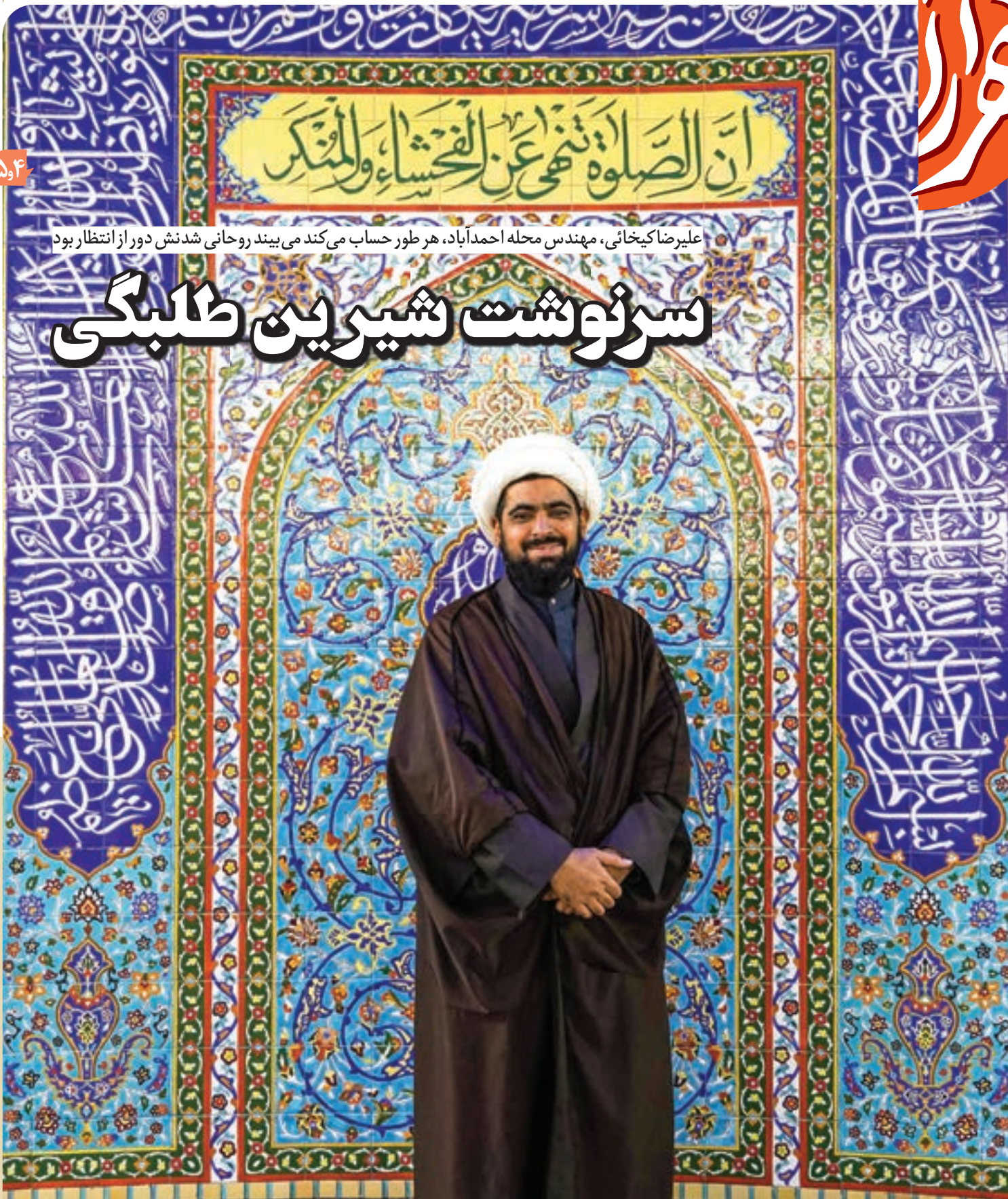




۵۴

علیرضا کیخانی، مهندس محله احمدآباد، هر طور حساب می‌کند می‌بیند روحانی شدنش دور از انتظار بود

سرنوشت شیرین طلبگی



عکس: فیهیه فرخی/شهرآرا

دانشجویان مهندسی پزشکی که شرکت استارت آپی راه اندازی کرده‌اند، از چالش‌هایشان می‌گویند

به ما می‌گویند «کم تجربه»

۶



ساکنان خیابان قائم (عج) نگران سقوط

سرشاخه‌های خشک درختان قدیمی محله هستند

۲

هرس زمستانه، درخواست اهالی

توزیع صبحانه گرم

برای دانش آموز مناطق کم برخوردار

۷

میهمانی «نان و مهر»



سقوط کرد و خوشبختانه آسیب جانی نداشت.

● عبور و مرور سخت خودروها از زیر درختان

تنه تنومند و قوی درخت خم شده و سرشاخه‌های بلندش به پنجره طبقه دوم خانه رویه رورسیده است. این درخت قدیمی و کهن سال در میانه خیابان قائم ۱۷، جلو خانه‌ای بادرسفید جا خوش کرده است. مسعود فرح بخش از ساکنان این خیابان است و می‌گوید: کافی است از پیاده‌رو آن سمت رد شوید. اگر قدتان حول و حوش ۱۷۰ سانتی متر باشد، با شاخه‌های درخت برخورد می‌کنید؛ به ویژه اگر شب باشد و حواستان هم به اطراف نباشد. تنه ضخیم و تنومند درخت هم آن قدر خم شده است که کامیونت‌هایی که برای مغازه‌ها بار می‌آورند، به سختی از کنارش عبور می‌کنند. فکر کنم تا چند سال آینده حتی خودروهای معمولی نتوانند از زیر آن رد شوند، چه برسد به کامیون و خودروهایی با سقف بلند.

حسن علیزاده هم سرشاخه‌های همین درخت توت را که تا پنجره‌های طبقه دوم و خانه آن هارسیده است، نشان می‌دهد و می‌گوید: چیزی نمانده که شاخه درختان وارد خانه ما شود. مجبوریم تابستان که هوا بهتر است، پنجره‌ها را ببندیم تا شاخه‌ها به سمت بالا رشد کنند. زمستان هم که هوا سرد است و خیلی وقت‌ها باد شدید می‌وزد، صدای تکان خوردن شاخه‌ها و برخورد آن با شیشه پنجره، بچه‌های ما را ترساند. اکثر درختان اینجادر بهار و تابستان سرسبز هستند و حال و هوای اینجا با صفای شاد و مردم به خاطر وجودشان شکرگزارند؛ اما همین درخت برای پاییز و زمستان نیاز به هرس دارد تا باعث نگرانی و خطر برای اهالی و رهگذران نباشد.

● هرس درختان در پاییز و زمستان

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه به هرس درختان اشاره می‌کند و می‌گوید: درختان خشک و خطرناک منطقه را در تابستان شناسایی کردیم و در پاییز و زمستان هرس آن‌ها را انجام می‌دهیم. تعداد درختان قدیمی که خمیده شده‌اند، در شهر زیادند و هرس سرشاخه‌های این درختان در دستور کار است. البته مواردی را که خیلی خطرناک است و ترک خوردگی و افت دارد، به کمیسیون ماده ۷ ارجاع می‌دهیم تا برای آن رای جمع‌آوری صادر شود.

مرتضی دوامی همچنین از شهروندان می‌خواهد تا با مراجعه به سامانه جامع فضای سبز شهرداری مشهد به نشانی <https://gsms.mashhad.ir> یا تماس با ۱۳۷ مشکلات درختان محل زندگی‌شان را اطلاع دهند تا بعد از بازدید توسط کارشناسان، اقدامات لازم برای درختان انجام شود.

● حادثه خبر نمی‌کند

همراه با ساکنان قدیمی خیابان قائم (عج)، کوچه‌هایش را یکی یکی بازدید می‌کنیم. همان ابتدای راه در کوچه قائم ۳ این درختان قدیمی با شاخه‌های خم شده به چشم می‌آید. هر چه جلوتر می‌رویم، وضعیت درختان پیچیده‌تر می‌شود. حاشیه خیابان بین قائم ۸ و ۱۰ درخت توتی قرار دارد که تعدادی از شاخه‌های اصلی آن را هم قطع کرده‌اند. اما سرشاخه اصلی بلند شده و شاخه‌هایش تانیمه خیابان رسیده است. سرشاخه‌های خم شده در تلاش هستند که خود را به سیم‌های تیر چراغ برق رویه رو برسانند. پشت این درخت، تعدادی کارگر ساختمانی مشغول ساخت آپارتمان هستند.

محمد علی دوست، یکی از این کارگرها، می‌گوید: دوسالی می‌شود که اینجا بتایی می‌کنیم و هر بار پاییز و زمستان از تکان سرشاخه‌های این درخت و سروصدایش احساس خطر می‌کنیم. خیلی وقت‌ها خودروها زیر همین درخت پارک می‌کنند که در پاییز و زمستان خطرناک است و احتمال اینکه شاخه‌های خشک شده بشکند و روی خودروها بیفتد و به آن‌ها آسیب بزند، زیاد است. حادثه هیچ وقت خبر نمی‌کند. چند سال پیش بود که در همین خیابان احمدآباد، درختی روی خودرو پارک شده

ساکنان خیابان قائم (عج) نگران سقوط سرشاخه‌های خشک درختان قدیمی محله هستند

هرس زمستانه درخواست اهالی

صدرا پاک‌آب و هوای محله کوی دکتر به خاطر حضور درختان قدیمی و سرسبز آن است؛ درختانی که سال‌هاست در کوچه‌ها و خیابان‌های آن جا خوش کرده‌اند؛ ولی این روزها تنه ضخیم آن‌ها خم شده و ممکن است برای ساکنان، رهگذران و خودروها خطر آفرین باشد.

به درخواست ساکنان سری به معابر کوچه پس‌کوچه‌های خیابان قائم (عج) در این محله زدیم و از نزدیک وضعیت آن‌ها را بررسی کردیم. تنه و سرشاخه‌های بعضی از این درختان آن قدر وارد خیابان شده که عبور و مرور را برای خودروها و ماشین‌های سنگین و گاهی رهگذران با مشکل مواجه کرده است.

هم قدم



خیابان صاحب‌الزمان (عج) بالاخره آیلنددار شد

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه یک مشهد از پیشرفت ۴۵ درصدی عملیات اجرای اصلاح هندسی خیابان صاحب‌الزمان (عج) در راستای سامان‌دهی وضعیت ترافیک در این منطقه خبر داد.

علی اکبر انتظام با بیان این خبر گفت: با هدف برقراری امنیت و سهولت تردد وسایل نقلیه و همچنین پیشگیری از حوادث رانندگی، عملیات اصلاح هندسی آیلند میانی از انتهای خیابان صاحب‌الزمان (دانشگاه) تا میدان صاحب‌الزمان (عج) به متر ۱۰ هزار مترمربع و اعتباری بالغ بر ۳۷ میلیارد ریال به همت اداره عمران و حمل‌ونقل و ترافیک منطقه در حال اجراست. این عملیات از ابتدای آبان سال جاری آغاز شده است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال به بهره‌برداری برسد.

شهر خبر



پیشرفت فاز ۲ بهسازی پیاده‌رو خیابان دستغیب

فاز دوم پروژه پیاده‌رو سازی خیابان شهید دستغیب، از سه راه فلسطین تا تقاطع خیام ۳۵ درصد پیشرفت داشته است.

برای مناسب‌سازی و سامان‌دهی معابر منطقه و سهولت تردد عابران به ویژه توان‌یابان، سالمندان و... عملیات بهسازی پیاده‌رو و جدول‌گذاری محدوده خیابان دستغیب، حد فاصل سه راه فلسطین تا تقاطع خیام با مساحت بیش از ۱۰ هزار مترمربع تا بیل فرش و ۲ هزار و ۷۰۰ متر طول جدول‌گذاری و با اعتبار ۱۸ میلیارد ریال در حال اجراست. این عملیات از نیمه آبان آغاز شده است و پیش‌بینی می‌شود تا پنج ماه دیگر به پایان برسد.



در پی تماس‌های اهالی منطقه یک با مرکز ۱۳۷ انجام شد

اجرای ۱۸۲ پروژه عمرانی خرد

صفائی‌ا شهردار منطقه یک از اجرای ۱۸۲ پروژه عمرانی خرد پیرو درخواست‌های شهروندی که از سوی امور راهبری مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ اعلام شده بود، خبر داد.

محمود برهانی با اشاره به اینکه رفاه حال شهروندان از اولویت‌های مدیریت شهری است، توضیح داد: طی دو ماه گذشته، ۸۲ مورد لکه‌گیری و بهسازی آسفالت، ۶۲ مورد بهبود و بهسازی مسیر و کانال، ۲۹ مورد بهسازی پیاده‌روها و ۹ مورد بهبود فضای سبز اجرا شده است.

وی افزود: این پروژه‌ها، هرچند کوچک مقیاس هستند، جزو درخواست‌های مردمی بوده و نقش مهمی در رفع مشکلات مردم، افزایش رضایت شهروندان و بهبود رفاه عمومی دارند.

برهانی گفت: ما در منطقه یک در تلاش هستیم با نظارت دقیق و برنامه‌ریزی مستمر در حیطه وظایف قانونی و امکانات موجود، نیازهای بیشتری از شهروندان را با سرعت بیشتر و کیفیت بهتر پاسخ دهیم. این اقدامات گامی مؤثر در راستای توسعه خدمات شهری، اعتماد سازی و تحقق درخواست‌های مردمی است.

برخی از محلات منطقه یک قدیمی هستند و نیاز به بهسازی دارند.

● دوره قرآن با کمک همسایه‌ها

همسایه بعدی، صغری حسینی زاده، همسایه دیوار به دیوار محترم خانم است. تازه دیسک کمرش را عمل کرده. ولی او هم خودش را از تک و تا نینداخته است. همسایه‌ها او را به رازداری و صبوریتش می‌شناسند. هر کس در دلدلی دارد، پیش او می‌آید. صغری خانم اوایل که اینجا ساکن شده، احساس غربت می‌کرده اما با دیدن محترم خانم و سینی چای فهمیده که جای خوبی ساکن شده است. او می‌گوید: با اینکه شش خواهر دارم، محترم خانم برای من، نزدیک تر از خواهر است و تا به امروز هر کاری از دستش برآمده برای ما انجام داده است. صغری خانم خاطرات قدیم محله و کوچه را به خاطر دارد: روزهایی را که ساکنان این خیابان همه خانه یکی بودند و رب، سبزی و یاد مغان زمستانشان را کنار هم در کوچه و روی گنده درست می‌کردند. او می‌گوید: یکی دیگر از کارهایی که همراه همسایه‌ها شروع کردیم، برپایی دوره قرآن در روزهای دوشنبه اول هر ماه است. اینجا همسایه‌ها برای برپایی مراسم روضه و عزاداری ائمه^(ع) کنار هم هستند و در کارها به هم کمک می‌کنند. او از فعالیت‌های فاطمه خانم می‌گوید که پای ثابت مراسم است.

● حال خوب همسایه‌ها با فعالیت اجتماعی

فاطمه مجرایی حدود ۲۴ سال است که در این محله زندگی می‌کند. این سه سال اخیر را در این کوچه ساکن شده است. همسایه‌ها او را به کارهای خیر و فعالیت‌های اجتماعی‌اش می‌شناسند. او خیریه بانوان رادر مسجد حضرت ابوالفضل^(ع) راه انداخته است. علاوه بر این برنامه‌های مختلفی برای دختران محله دارد. خودش می‌گوید: دوست دارم دختران و زنان محله در برنامه‌ها حضور فعال داشته باشند. برای همین با کمک جوان ترها در مناسبت‌های مختلف در بوستان‌های محله برنامه اجرا می‌کنیم تا همسایه‌ها بیشتر همدیگر را ببینند و از حال هم با خبر باشند. یکی دیگر از کارهای فاطمه خانم که آن را با کمک همسایه‌ها انجام داده،

شناسایی خانم‌های سرپرست خانوار محله است؛ کمک به همسایه‌ها و هم محلی. در دین ماثویه شده است. اینجا تا حرف مشکل برای همسایه‌ای پیش می‌آید، همه بی دریغ و بدون اینکه سؤالی بپرسند، خودشان به آن خانواده به صورت مالی یا غیرمادی کمک می‌کنند.



همسایه به همسایه، دیدار اول، کوچه ایثارگران ۶/۱۵

آشنایی به صرف یک قوری چای

صدرا همسایه‌های کوچه ایثارگران ۶/۱۵ همدل و همراه هستند. اکثر آن‌ها واسطه دهه ۷۰ اینجا ساکن شدند و سختی‌های آن را پشت سر گذاشتند. از همان ابتدا در سختی و خوشی کنار هم بودند و حالا این روزهای در دلدل هم می‌نشینند. در همین کوچه روزگاری با هم رب درست می‌کردند، روضه خانگی و دوره قرآن راه انداختند. همیشه در خانه‌شان به روی هم باز است و طاقت یک روزی خبری از هم راندن ندارند.

● مادری کردن برای همسایه‌ها

محترم نیک روش سی سالی می‌شود که اینجا سکونت دارد. این روزها پاهایش درد می‌کند؛ با این حال هر روز کارش احوال‌پرسی از همسایه‌های قدیمی است. همسایه‌ها او را مادر مهربان کوچه صدا می‌کنند. درست مثل یک مادر هر کاری بتواند، برای همسایه‌ها انجام می‌دهد. روی خندان، گرم و گیرا بودن و مردم‌داری از ویژگی‌هایی است که برای او می‌شمارند. زمانی که محترم خانم به اینجا آمده است، فقط دو همسایه دیگر اینجا زندگی می‌کردند و همان اول با آن‌ها آشنا می‌شود. بعد از آن هم هر همسایه‌ای به کوچه‌شان می‌آمده. او با یک قوری چای به دیدن‌شان می‌رفته و باب آشنایی را باز می‌کرده است. خودش می‌گوید: همسایه‌های اینجا همه آدم‌های دغدغه‌مند و خوبی هستند. آن قدر با هم صمیمی‌اند که تا چند سال پیش مراسم عروسی و عزادار خانه هم برگزار می‌کردند؛ مثلاً صغری خانم عروسی دخترش رادر خانه خود مابزرگوار کرد. من و همسر خدا بیامرزم دوست داشتیم هر کاری از دستمان برمی‌آید، برای همسایه‌ها پیمان انجام دهیم.



۲۲ برش اسکلت در ۱۵ روز

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ از اجرای دستور قضایی بابرش اسکلت وی بی‌کنی ساختمان‌های غیر مجاز خبر داد و گفت: با توجه به اهمیت نظارت بر ساخت و سازها و عزم راسخ شهرداری این منطقه در پایان ده روز گذشته با اجرای دستور قضایی ۲۲ برش اسکلت ساختمان نایمن انجام گرفته است که این ساختمان‌ها خلاف ضوابط شهرسازی بنا شده بودند.

محسن قره‌خانی ادامه داد: علاوه بر آن در این مدت، شش مورد جلوگیری از بی‌کنی ساختمان در محدوده جاده‌های کلات، بهار و کلاکوب از سوی کارکنان اجرائیات این منطقه، طبق ضوابط قانونی و با همکاری مالک اجرا شده است.

شهر خبر



«باورهای استوار» در مدارس استثنایی

به مناسبت هفته گرامیداشت جهانی معلولان، طرح «باورهای استوار» در مرکز آموزش استثنایی محدوده شهرداری منطقه ۲ برگزار شد. معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۲ با اعلام این خبر توضیح داد: در این منطقه، بیش از پنجاه مدرسه و ویژه‌دانش آموزان با نیازهای خاص داریم. در طول سال تلاش می‌کنیم به بهانه‌های مختلف سری به این مدارس بزنیم و برنامه‌های متنوعی برایشان برگزار کنیم. مهدی یوسف زاده ادامه داد: هفته جهانی گرامیداشت معلولان بهترین فرصت بود تا با اجرای برنامه‌های فرهنگی و تفریحی در این مدارس، با همراهی آموزش و پرورش کودکان استثنایی، لحظاتی شاد و متنوع برای این دانش آموزان رقم بزنیم.

نصب پلاک افتخار بر سر در منزل خانواده شهید علی اصغر ظریف رئیسین درواری

خواب پدر، آمدن پسر

حسین برادران فرا هم زمان با دهه فاطمیه، اعضای شورای اجتماعی محله فرامرز عباسی، مسئول بسیج شهرداری منطقه، همراه با رئیس ناحیه و کارشناسان فرهنگی با خانواده شهید علی اصغر ظریف رئیسین درواری دیدار کردند. شهید علی اصغر ظریف رئیسین درواری در شانزده سالگی به عنوان بسیجی داوطلب راهی جبهه شد. او در عملیات کربلای ۵ در ارتفاعات حاج عمران محاصره شد و بعد از جنگی سخت به شهادت رسید. به گفته محمد رئیسین، پدر شهید، پیکر او تا یک سال در خاک عراق ماند و بعد از پیشروی نیروهای ایرانی، پیدا و در مشهد تشییع شد. پدر شهید می‌گوید: آرزویش دفن شدن در جوار ضریح حرم مطهر رضوی بود. اتفاقاً شب قبل از پیدا شدن پیکرش خواب دیدم که در حرم مطهر رضوی هستم. در عالم خواب، قبر شهید را که در کنار ضریح امام رضا^(ع) قرار داشت، دیدم. روز بعد اعلام کردند پیکرش پیدا شده است. در پایان این دیدار، پلاک افتخار این شهید به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ۲ بر سر در خانه‌شان نصب شد.





علیرضا کیکخانی، مهندس محله احمدآباد، هر طور حساب می‌کند می‌بیند روحانی شدنش دور از انتظار بود

سرنوشت شیرین طلبگی

حمیده صفائی هر چه محاسبه می‌کند، می‌بیند انتخاب این مسیر فقط به خودش بستگی نداشته: بیشتر لطف خدا بوده که شامل حالش شده است.

ماجرای روزی شروع شد که علیرضا در کلاس‌های طب سنتی با تعدادی طلبه دوست شد. بعد از آن او بنا به عادت شوخ طبعی همیشگی‌اش و برای سر به سر گذاشتن دوستان طلبه‌اش، سری به حجره‌های آنان در حوزه علمیه می‌زد تا ببیند دقیقا به چه کاری مشغول هستند. این رفت و آمدها سبب کنجکاویش شد و برای رسیدن به جواب پرسش‌های ذهنش پیگیر شد تا به حوزه برود. اما ۲۵ سال، سن مناسبی نبود که او را پذیرش کنند.

طرح «سفیران هدایت» یکی از فرصت‌های زندگی‌اش بود، درست همان سالی که در مقطع ارشد رشته نرم‌افزار قبول شد. دوراهی سختی بود و علیرضا به خاطر اینکه این فرصت را از دست ندهد، حوزه علمیه را انتخاب کرد و در مسیر جدیدی گام گذاشت. اکنون پس از یازده سال در نقطه‌ای که دلش می‌خواست ایستاده است. حجت الاسلام والمسلمین علیرضا کیکخانی چند سالی است امام جماعت مسجد حجتی‌الندشت و فرمانده پایگاه شهدای‌الندشت در عارف‌۱۰ است.



می‌خواستیم به هندوستان بروم، اما...

زاده زاهدان است و سه سال اول زندگی‌اش را در آنجا گذرانده. پدرش معاون بازرگانی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی زاهدان بود و از آنجا به زابل منتقل شدند. پس از هشت سال زندگی در این شهر به گرگان رفتند و ۱۰ سال هم آنجا زندگی کردند. علیرضا سال ۱۳۸۲ کاردانی نرم‌افزار کامپیوتر زاهدان قبول شد و سال ۱۳۸۴ کارشناسی همین رشته را در مشهد ادامه داد و سال ۸۶ فارغ‌التحصیل شد. کارشناسی‌اش را که گرفت، به همراه دامادشان توی دفتری در خیابان راهنمایی مشغول به کار شد. آنجا هم تیزر تبلیغاتی و انیمیشن می‌ساختند و هم آموزش می‌دادند. بعد از چند ماه در شرکتی مشغول به کار شد و مسئولیت شبکه‌های کامپیوتری آنجا را بر عهده گرفت.

اومی خواست مقطع ارشد نرم‌افزار کامپیوتر را در دانشگاه دولتی بخواند، اما در آزمونش قبول نشد. یکی از دوستانش پیشنهاد کرد برای ادامه تحصیل به هندوستان برود. او هم پذیرفت. برای رفتن به این سفر به دنبال تقویت زبان بود. نزدیک کلاس زبان کلاس‌های طب سنتی و نجوم هم برگزار می‌شد. علیرضا که از قدیم علاقه بسیاری به این حوزه‌ها داشت، تصمیم گرفت در این کلاس‌ها هم شرکت کند.

سربه سر طلاب می‌گذاشتم

در کلاس‌های طب سنتی‌اش چند طلبه هم حضور داشتند. اخلاق علیرضا طوری بود که خیلی زود با همه دوست می‌شد. او در کمتر از چند روز با طلبه‌های حاضر در کلاس طب سنتی دوست شد و این دوستی و حس کنجکاویش سبب شد گاهی به همراه آن‌ها به حوزه علمیه برود و سری به حجره‌هایشان بزند. به اینجای صحبت که می‌رسد، لبخندی بر لبش می‌نشیند و ادامه می‌دهد: می‌خواستیم ببینیم طلاب در حوزه علمیه چه درس‌هایی می‌خوانند و در حجره‌هایشان چه خبر است. گاهی هم می‌رفتم سربه سرشان می‌گذاشتم و شوخی می‌کردم. سبک درس خواندنشان برایم جالب بود و کنجکاویم کرد. امانه به اندازه‌ای که بخواهم به حوزه بروم.

به دنبال جواب سوالات رفتم

گاهی در کلاس زبان برخی از دوستانش درباره روحانیون صحبت‌هایی می‌کردند که از نگاه علیرضا درست نبود. او می‌خواست با دلیل و سند این موضوع را به آن‌ها بگوید. اما برای حرف‌هایش سندی نداشت؛ به همین دلیل مجبور بود مطالعه کند. یازدوستان طلبه‌اش پرسید، بعد جواب آن‌ها را بدهد. وقتی پاسخ می‌داد، سؤال دیگری مطرح می‌شد و باز باید برای جوابش، همین مسیر را می‌رفت. این روند انمی پسندید و تصمیم گرفت اطلاعاتش را افزایش دهد. سال ۱۳۸۸ یک روز سری به حوزه زد و گفت می‌خواهد آنجا درس بخواند. وقتی سنش را پرسیدند، گفتند «۲۳ سال حداکثر سن ثبت نام ماست. شما ۲۵ سال دارید و نمی‌شود». همان جایی که از طلبا به او گفت «می‌توانی کتاب‌های شش سال اول رتبه و مطالعه کنی و امتحان بدهی؛ در صورت قبولی می‌توانی در حوزه درس بخوانی». علیرضا کتاب‌ها را خرید و یک سال تمام درس خواند. زمانی که برای امتحان مراجعه کرد، به او گفتند این طرح مربوط به پارسال بوده است و امسال اجرایی شود. او ماند که چه کند. اما ناامید نشد و همچنان برای ورود به حوزه پرس و جو می‌کرد. درست همان سالی که کنکور ارشد داد و در رشته نرم‌افزار قبول شد. یکی از دوستانش به او گفت «امسال حوزه علمیه طرح سفیران هدایت را دارد و می‌توانی ثبت نام کنی». هر چه خانواده‌اش اصرار کردند تا علیرضا به دانشگاه برود، او قبول نکرد و به این فکر می‌کرد که شاید سال آینده این طرح را بردارند. برای همین قید دانشگاه را زد و به حوزه رفت.

استودیویی برای تولید محتوای محله

به اصرار مادر سال ۱۳۹۱ ازدواج کرد و در محله احمدآباد ساکن شد. سال ۱۳۹۲ به حوزه رفت و از سال ۱۳۹۳ به خاطر تخصصش در کامپیوتر، مدرس برخی از دروس کامپیوتر حوزه علمیه شد. کم‌کم به خاطر معدل خوبش دروس سال‌های پایین‌تر را به او سپردند. بالاخره علیرضا کیکخانی در سال ۱۳۹۶ ملبس شد. از همان ابتدا که در خیابان عارف ساکن شد، پاتوقش

آموزش تخصصی کامپیوتر برای درآمدزایی

کرونا بچه‌ها را به سمت گوشی برده بود و بیشتر زمان کودکان و نوجوانان با آن می‌گذشت. این فرمانده پایگاه بسیج تصمیم گرفت آن‌ها را از گوشی دور کند؛ به همین دلیل جلسه‌ای برایشان گذاشت و گفت: اگر دوست دارید حرفه‌ای کار کنید و وارد بازار کار شوید، می‌توانیم کلاس‌های فتوشاپ، افترافکت، گرافیک، تدوین فیلم و پریمیر برگزار کنیم. استقبال خوب بچه‌ها سبب شد این کلاس‌ها در مسجد محله برای خواهران و برادران به رایگان برگزار شود. برخی از پایگاه‌های بسیج حاشیه شهر که درباره این کلاس‌ها شنیده بودند، درخواست آموزش برای بچه‌های پایگاه‌شان را داشتند. دوری مسیر و تعداد متقاضیان سبب شد به این فکر بیفتند برنامه آموزشی را ضبط کنند و فایل آن را در اختیارشان قرار دهند و کار پشتیبانی از این آموزش‌ها با آن‌ها باشد.



داستان جلد

نوجوانان اولویت‌م هستند

به خاطر نزدیکی خانه‌اش به مسجد حجتی‌الندشت از سال ۱۳۹۴ امامت نماز صبح را به او می‌سپارند و از سال ۱۴۰۰ هم امام جماعت هر سه نوبت نماز می‌شود. درس خواندن و تدریس در حوزه. فرماندهی پایگاه بسیج و امامت نمازگزاران مسجد، کار هر روز او می‌شود. اما این کارها ذره‌ای از دغدغه‌اش نسبت به نوجوانان کم نمی‌کند و همچنان احساس می‌کند در این مسیر کم گذاشته است.

یک روز سری به هنرستان غیرانتفاعی نزدیک مسجد می‌زند و می‌گوید: اگر می‌شود، من به عنوان امام جماعت به اینجا بیایم. آن‌ها از این پیشنهاد استقبال می‌کنند. او تعریف می‌کند: خوشبختانه نماز ظهرشان را ساعت ۱۲:۱۰ می‌خوانند. گفتیم نماز ظهر مسجد را می‌خوانیم؛ بعد پیش شما می‌آیم. آن‌ها هم استقبال کردند. کم‌کم با دانش‌آموزان ارتباط گرفتیم. هر یک به زبان خودشان؛ بایکی درباره گوشی موبایلش صحبت می‌کردم. یادگیری درباره لپ‌تاپ یا کامپیوتر. دانش‌آموزان که دیدند در حوزه کامپیوتر تخصصی داریم، ارتباطمان نزدیک‌تر شد. یک روز یکی از بچه‌ها گفت: آقا هنرستان ما مدرسه تصویرسازی ندارد. تخصص همین بود. به مدیر هنرستان پیشنهاد کردم برای تدریس بروم. پذیرفتند و در مدرسه مشغول به تدریس شدم.



آقا شتاب‌آمده‌اید؛ کلاس قرآن نداریم!

۹ سال گذشته یکی از دوستانش به او می‌گوید: آموزش و پرورش استخدامی دارد؛ چرا شرکت نمی‌کنی؟ او که کار با نوجوانان را دوست دارد، در رشته کامپیوتر شرکت می‌کند و دست بر قضا قبول می‌شود. می‌خندد و تعریف می‌کند: وقتی برای مصاحبه رفتیم با دیدن من تعجب کردند و گفتند مگر شما در این حوزه تخصص دارید! خلاصه در مصاحبه قبول شدم و اکنون در ناحیه تبادل‌دکان در سه هنرستان مشغول به تدریس هستم. بهترین خاطره‌اش از اولین سال تحصیلی در این مدارس این است که وقتی وارد کلاس می‌شود، شاگردانش به او می‌گویند «حاج آقا شتاب‌آمده‌اید؛ الان دینی و قرآن نداریم. درس ما تخصصی است.» وقتی متوجه می‌شوند او دبیر تخصصی است، اذیت و آزارهایشان شروع می‌شود تا نقطه ضعفی از او به دست بیاورند. برای اینکه دانش‌آموزانش ایرادی به او نگیرند، به خاطر هر دو ساعت تدریس چهار ساعت مطالعه می‌کرد تا طرح درس بنویسد و بتواند در کلاس، پاسخ سؤالاتشان را بدهد. حجت الاسلام والمسلمین کیخانی که روزگاری خودش پرشور و شورترین شاگرد و دانشجوی کلاشان بوده است، حالا به راحتی می‌تواند شاگردانش را کنترل کند.



راه انداختیم تا صدای مسجد و پایگاه بسیج را به گوش اهالی برسانیم. استادانی در حوزه‌های اعتقادی، طب سنتی، روان‌شناسی و تربیت فرزند می‌آوردیم و پس از ضبط برنامه در کانال محله پخش می‌کردیم. کودکان و نوجوانان را فراموش نکردند. برای آموزش به آن‌ها سناریوهای پیچیده و عروسکی خریدند. در هر قسمت، عروسک سؤالاتی می‌پرسید و مجری برنامه حضور داشت که به آن‌ها پاسخ می‌داد.

مسجد النبی (ص) و مسجد حجتی‌الندشت بود. به خاطر اخلاق خوش و ارتباط دوستانه‌ای که با کودکان و نوجوانان محله داشت، سال ۱۳۹۷ فرماندهی پایگاه بسیج شهدای‌الندشت را به او دادند. یک سال از حضورش در مسجد نگذشته بود که کرونا شهر را فراگرفت و به خاطر حفظ سلامتی مردم، مساجد هم بسته شدند. حجت الاسلام والمسلمین کیخانی به این فکر کرد چطور می‌تواند ارتباطش را با مردم محله به‌ویژه کودکان و نوجوانان حفظ کند. او با اشاره به این موضوع ادامه می‌دهد: در پایگاه بسیج استودیویی

غیرمسجدی‌ها هم به مسجد بیایند

۶ «یک عده مخاطب مان نبودند.» این یکی از دغدغه‌های فرمانده پایگاه بسیج شهدای‌الندشت بود. برای رفع آن تلاش می‌کرد با برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و تفریحی مثل جلسات حل‌تمرین، استخراج و تبال و کلاس‌های علمی آن‌ها را نیز جذب کند. کلاس‌های رباتیک و دوره‌های نجوم هم جزو ثابت برنامه‌هایشان شد. کم‌کم توانستند برای مجموعه، تلسکوپ و دیگر تجهیزات نجوم را فراهم کنند. او با اشاره به شگفتی‌های عالم و نظم هستی می‌گوید: از این فرصت استفاده کردیم و لایه‌لای مطالب کلاس، اصول فقهی و احکام را به بچه‌ها

آموزش دادیم. آموزش نرم‌افزار پلنر و تری‌دی مکس برای جوانان هم در این پایگاه مورد استقبال قرار گرفت.

در کنار فعالیت‌های این مسجد، محفل نور که در واقع محفل هنرمندان انقلاب اسلامی است، شکل گرفت. در این محفل تبادل اطلاعات درباره فتوشاپ، هوش مصنوعی، طراحی‌های سه‌بعدی، امکانات سخت‌افزاری و... صورت می‌گرفت. در این جلسات در کنار رفقای حوزه رسانه حجت الاسلام والمسلمین کیخانی، جوانان و نوجوانان خوش فکر محله هم حضور دارند. این افراد بین ۱۷ تا ۲۵ سال دارند و طی دو سال گذشته دوازده نفر از آن‌ها وارد بازار کار شده‌اند.



برای مراسم اعتکاف تلویزیون برده بودیم

۷ همان طور که خاطر اتش را تعریف می‌کند، به یاد اعتکافی می‌افتد که در بیست و چهار سالگی در آن شرکت کرده بود؛ می‌گوید: شنیدیم مسجد ارشاد الرضا (ع) اعتکاف برگزار می‌کند. به پسر خاله‌ها و پسر عموهایم گفتم بیایید برویم. خلاصه ۱۰ نفر دوست و آشنا جمع شدیم و رفتیم اعتکاف. آن سال جام جهانی فوتبال بود. برای همین پسر خاله‌ام لایه‌لای و سایلش تلویزیون آورده بود! سرتان را به درد نیاورم. آن قدر شلوغ بودیم که همه چیز را به هم ریختیم. روز آخر هم برای مسئول اعتکاف جشن پتو گرفتیم. مسئولان آنجا از دستمان عاصی شده بودند، اما در نهایت به رویمان نیاوردند و با صبوری ما را تحمل کردند. آن اعتکاف سبب آشنایی من با دو روحانی آنجا شد.



دانشجویان مهندسی پزشکی که شرکت استارت آپی راه اندازی کرده اند، از چالش هایشان می گویند

به ما می گویند «کم تجربه»



متقاعد کردن پزشکان سخت است

به خاطر سن کم و دانشجو بودن نشان چالش های بسیاری دارند و کمترین به آن ها اعتماد می شود. این مشکل تلاش آن ها را مضاعف کرده است. برای رسیدن به هدفشان در دوره های آموزشی مختلف شرکت کردند تا بتوانند در متقاعد کردن استادان و پزشکان موفق باشند.

شمشیری تعریف می کند: متقاعد کردن یک پزشک برای خرید لوازم پزشکی بسته به بار علمی مادر و غیر از آن نمی توانیم پزشکان را برای انجام کارهای تخصصی متقاعد کنیم. مشکل دیگر ملاحظات پس از فروش است. مثلاً محصولی ۱۰ سال ضمانت پس از فروش دارد و خریدار می پرسد «شما اول کارتان است؛ چطور می خواهید تضمین کنید». مافق می توانیم مهارت های فنی خود را به آن ها نشان دهیم و بگوییم اگر دستگاهی خراب شد، نیروهای ما آن را تعمیر می کنند. چون در این دو سال تأسیس شرکت و گذراندن آموزش های مختلف به توان نیروهایمان اعتماد داریم.

بی سواد نیستیم

گروه تحریریه این شرکت هم به دنبال نشر مطالب تخصصی هستند تا به اطرافیان نشان بگویند هر چند دانشجو هستند و تجربه یک متخصص را ندارند، تلاش می کنند در حد خودشان آگاهی و تخصص کسب کنند؛ برای همین نشریه «بیوتیک مدیکال» را فعال کرده اند. در این نشریه در کنار بهره مندی از حضور استادان، از ظرفیت دانشجویان نیز استفاده می کنند. ضیایی با اشاره به این موضوع توضیح می دهد: در هر کاری برای جلب اعتماد دیگران باید تخصص کافی کسب کنید تا بتوانید در آن عرصه حرفی برای گفتن داشته باشید. ما به این موضوع فکر کردیم که هر جا می رویم، فرض را بر این نگذارند که تعدادی دانشجو خام و بی تجربه هستیم. بنابراین نشریه ای تخصصی در حوزه کاری خودمان تولید می کنیم و با انتشار مطالب تخصصی، علاوه بر ایجاد امید در دل دیگر دانشجویان این رشته، به همه می گوییم دوره دانشجویی فقط مختص انجام پروژه های نظری نیست.



صفائی به خاطر سن کمشان قضاوت می شوند و برخی هم فکر می کنند آن دو تخصص کافی ندارند، اما هیچ کدامشان کوتاه نمی آیند و دست از تلاش بر نمی دارند. اصلاً باهم بودن نشان به خاطر همین ریسک پذیری برای رسیدن به اهداف است. بیشتر از دو سال پیش، وقتی امیرحسین ضیایی متوجه می شود امیرحسین شمشیری، دوست دوران مدرسه اش، هم مثل او مهندسی پزشکی می خواند، تصمیم می گیرد سری به او بزند و این دیدار مجدد بعد از پنج شش سال، آن ها را کنار هم قرار می دهد و نتیجه اش تأسیس شرکت استارت آپی «امیران مدیکال» می شود که علاوه بر ارائه محصولات متنوع، خدمات تعمیرات و آموزش نیز ارائه می کند. این دو دانشجوی سال آخر کارشناسی رشته مهندسی پزشکی تلاش می کنند فضایی برای رشته تحصیلی شان ایجاد و مسیر کارآفرینی را برای دیگر هم رشته ای های خود هموار کنند.

فضای فنی رشته مادر دانشگاه کم است

«علاقه به موضوع توان بخشی و بهتر شدن زندگی آدم ها برایمان خوشایند است.» شمشیری با تأکید بر این موضوع می گوید: رشته ما سه زیرمجموعه بیومتریال (ساخت)، بیومکانیک (تعمیرات) و بیوالکتریک (زبان های برنامه نویسی) دارد. شاید بتوان گفت مهندسی پزشکی درباره تجهیزات پزشکی در سه حوزه تولید و ساخت، تعمیرات و عیب یابی و کالیبره کردن دستگاه های پزشکی است. او ادامه می دهد: فضای کار فنی برای رشته ماکم و در دانشگاه فقط بخش تئوری مطرح است و ورود به بازار کار سخت می شود. این خلأ سبب شد به فکر تشکیل استارت آپی باشیم که برای خودمان و دیگران ایجاد کار کند و خوشبختانه از طریق آن توانسته ایم برای بیست نفر از دانشجویان این رشته کارآفرینی کنیم.

فقط به دنبال تجارت نیستیم

فروش و تعمیرات لوازم پزشکی را فعال کرده اند. اما قرار نیست فقط تجارت کنند. آن ها در کنار سود به دنبال این هستند که به هم رشته ای های خود یادآوری کنند به دنبال تولید ملی باشند و سعی کنند با تلاش از ظرفیت خودشان استفاده کنند. ضیایی مهر می گوید: کار ما فقط به فروش و تعمیرات لوازم پزشکی منتهی نمی شود. در گروه های تیم اختراعات، ثبت ایده ها و تحریریه هم داریم. دانشجویان مالیده های نابی دارند که می توانند به تولید برسانند، فقط باید مسیر درست را طی کنند. وی ادامه می دهد: سایت های خارجی را می گردیم و تکنولوژی روز را می بینیم و پیگیر تولید آن می شویم. قبول داریم کار آسانی نیست، اما با تلاش و کوشش و خرد جمعی بالاخره به نتیجه خواهیم رسید.

امیرحسین ضیایی مهر، متولد ۱۳۸۰

از خانواده ای فرهنگی است. مادرش مدرس ادبیات است و او هم علاقه مند به شعر و شاعری. کسی فکرش را نمی کرد امیرحسین رشته تجربی را انتخاب کند و به دنبال ادبیات نباشد. هرچند به قول خودش، مسیرش با علاقه اش به شعر و شاعری منافاتی ندارد. از دوران نوجوانی به دنبال ورزش بود و ۳ تکنو و رادارد.

آن طور که برایمان تعریف می کند، یک سال برای انتخاب این رشته پرس و جو و سپس آن را انتخاب کرده است. دوران کرونا خاطره تلخی برای او به جا گذاشته و پدرش، بزرگ ترین پشتوانه زندگی اش، را از دست داده است.

امیرحسین شمشیری، متولد ۱۳۸۱

آن طور که خودش می گوید، پدرش شغل آزاد دارد و امیرحسین را تئوری بزرگ کرده که از هفت هشت سالگی در بازار باشد. تابستان های اودم مغازه های گذشت تا با کسب و کار آشنا شود. حتی پدرش می سپرد دستمزدی به او ندهند، چون قرار بود فوت و فن کار دستش بیاید. در کنار درس و کارهای پاره وقت، موسیقی هم کار می کرد. به خاطر توانش در نواختن ادوات مختلف موسیقی اطرافیان تصور می کردند رشته هنر را انتخاب کند. اما پس از خواندن رشته تجربی، در دانشگاه وارد رشته مهندسی پزشکی شد.



ارتقای سطح عمومی بهداشت محله با رابطانی که با عشق کار می‌کنند

جهادگران حوزه سلامت

عیدگاه

می‌گوید: هر محله بسته به سبک زندگی افراد آنجا با مشکلات بهداشتی و سلامتی خاص خود روبه‌روست و سفیران سلامت با شناسایی آن، به ارتقای سلامت محله کمک می‌کنند. در واقع اگر داوطلبان همراه ما نباشند، کارمان سخت می‌شود. مبنای کار ما مراقبت‌های بهداشتی از زمان تولد تا آخرین لحظه حیات فرد است. انجام این کار بدون کمک داوطلبان، سخت و گاهی ناممکن است.

● کار جهادی برای سلامت با عشق

نرگس محمدی از رابطان قدیمی این مرکز است. او از سال ۱۳۷۸ رابط سلامت شده است. خواهرش آن زمان در این مرکز کار می‌کرده و برای اجرای طرحی نیاز به پوستر داشته‌اند که طراحی و نقاشی آن را نرگس انجام می‌دهد. بعد از او دعوت می‌کنند تا به عنوان رابط سلامت با آن‌ها همکاری کند. او می‌گوید: دو سال بعد هم ازدواج کردم و خوشبختانه همسرم با ادامه همکاری ام موافق بود. اوایل بیشتر وظیفه‌اش سرشماری و جمع‌آوری اطلاعات از خانوارهای محله آبکوه بوده است؛ متعاقب همین اطلاعات متوجه می‌شدند کدام مادر برای واکسن نوزادش مراجعه نکرده است و باید از طریق رابط پیگیری‌های لازم انجام شود. او با حضور در کلاس‌های آموزشی آموخته است چگونه چطور مراقب سلامت جسم و روح فرزندان باشد. نرگس خانم می‌گوید: کلاس‌های آموزشی برای رابطان درس زندگی است.

سفیران سلامت باید عاشق باشند تا این کار جهادی را انجام دهند. این نظر نرگس محمدی، رابط سلامت کهنه کار این مرکز است که سال‌های سال به ساکنان محله آبکوه خدمت کرده است.

اهالی محله‌شان بازگو کنند. آن‌ها با این کار باعث ارتقای سلامتی در محدوده محل سکونتشان می‌شوند. این رابطان علاوه بر خانواده خودشان با سایر هم‌محلی‌ها در مجالس مختلف ارتباط دارند و می‌توانند خود مراقبتی را بین اطرافیان نشان‌گسترش دهند.

● بازوهای فعال مرکز بهداشت

یکی دیگر از فعالیت‌های این داوطلبان سلامت، جمع‌آوری آمار و اطلاعات از خانوارهای محله برای راهنمایی و کمک بیشتر به آن‌هاست. آن‌ها همچنین سرشماری‌های مخصوص به خودشان را دارند؛ مثلاً می‌دانند چه تعداد از افراد قطره فلج اطفال را دریافت کرده‌اند یا چه بیماری‌های مزمن یا واگیرداری در محله‌شان شایع است. آن‌ها با دادن این اطلاعات به کارشناسان مرکز بهداشت کمک می‌کنند تا چاره‌ای برای رفع بیماری پیدا کنند. شعبانی در این باره

صدرالباس‌های سفید بانیشان بهداشت و درمان به تن دارند. برایشان فرقی نمی‌کند که بهار و تابستان و گرمایش باشد یا پاییز و زمستان و سرمایش؛ آن‌ها قدم در راهی گذاشته‌اند که روز و شب نمی‌شناسد. سفیران یاد داوطلبان سلامت، نیروهای جهادی مرکز بهداشت هستند. آن‌ها برای رضای خدا و وظیفه‌ای را به عهده گرفته‌اند و انجام می‌دهند که با سلامت ساکنان محله‌شان گره خورده است.

۱۴ آذر روز جهانی داوطلب بهانه‌ای شد تا به سراغ مرکز جامع خدمات سلامت شهید قدسی در محله آبکوه رفتیم و پای صحبت کارشناس و یکی از رابطان فعال آنجا نشستیم.

● خودمراقبتی با کمک رابطان

مرکز بهداشتی و درمانی شهید قدسی (مرکز بهداشت شماره ۳) بین بولوار فلسطین و سناباد ۶۲ قرار دارد. این پایگاه بهداشت در بیشتر طرح‌ها و خدماتش از بانوان فعال این محدوده در قالب داوطلبان بهداشت کمک می‌گیرد. خانم‌های داوطلب بسیاری به اینجا رفت و آمد دارند؛ چون در این پایگاه، فعالیت‌های مفیدی یاد می‌گیرند و به عنوان بازوهای مرکز بهداشت محله عمل می‌کنند. به گفته کارشناس ناظر این مرکز، آن‌ها یاریگر مردم و کارشناسان هستند.

طوبی شعبانی در ادامه توضیح می‌دهد: اینجا به طور مرتب کلاس‌های متنوع آموزشی بهداشتی برای داوطلبان سلامت برگزار می‌شود. داوطلبان در این کلاس‌ها می‌آموزند چگونه چطور مطالب علمی درباره بیماری‌ها را به زبان ساده برای



توزیع صبحانه گرم برای دانش‌آموز مناطق کم‌برخوردار

میهمانی «نان و مهر»

عیدگاه

است. امیدواریم امسال هم با کمک خیران و اهالی ورزش و رسانه بتوانیم صبحانه گرم را بین بیش از ۱۰۰ هزار دانش‌آموز محروم توزیع کنیم.

● گام بعدی، کشف استعدادهای ورزشی

سعید کاظمی، دبیر اجرایی بنیاد نیکوکاری عماد، نیز به سابقه هفت ساله اجرای این پویش اشاره کرد و افزود: امسال قصد داریم در کنار توزیع صبحانه، جشنواره‌ای ورزشی با هدف استعدادیابی هم برپا کنیم. هیئت‌های ورزشی، دوومیدانی، تنیس روی میز، ورزش‌های همگانی، کشتی، شنا، تیر و کمان تا امروز ما در این کار خیر همراهی کرده‌اند. کاظمی با اشاره به شعار «مهربانی ساده است»، از همه افراد خیر و دغدغه‌مند در حرفه‌های مختلف از جمله ورزشکاران و اهالی رسانه خواست در این فعالیت خیر همراه بنیاد نیکوکاری عماد باشند.

● ورزشکاران، الگوی کار نیکوکارانه

رضاسخندان، داور بین‌المللی فوتبال کشور که این بنیاد را در این پویش همراهی می‌کند، معلم آموزش و پرورش منطقه تبادکان بوده و با دانش‌آموزان این محدوده و نیازهایشان کاملاً آشناست. سخندان در این نشست به استعداد دانش‌آموزان مناطق محروم اشاره کرد و گفت: هدف ما کمک به شناسایی این استعدادها و ورزشی

صدرالمهریانی مردوزن یا کوچک و بزرگ نمی‌شناسد: فقط باید دلت بخواد تا کاری نیک هر چند کوچک انجام دهی و چه بهتر که این کار خیر برای دانش‌آموزان مناطق محروم باشد. پویش «نان و مهر» با شعار «مهربانی ساده است»، امسال نیز مثل سال‌های گذشته به همت بنیاد نیکوکاری عماد، فعالیتش را با توزیع صبحانه در دبستان قائم^(ع) محله نوده آغاز کرد.

پیش از توزیع صبحانه در این مدرسه، نشست خبری به همت مؤسسه عماد و آموزش و پرورش منطقه تبادکان مشهد با موضوع خدمت‌رسانی به مناطق کم‌برخوردار و حاشیه‌شهر مشهد در سالن جلسه شهید سلیمانی اداره آموزش و پرورش تبادکان برگزار شد. در این جلسه علاوه بر مدیر آموزش و پرورش منطقه تبادکان، دبیر مؤسسه نیکوکاری عماد، اهالی ورزش و رسانه نیز حضور داشتند.

● تغذیه مقوی و گرم، نیاز دانش‌آموزان

محمد حسین عبداللهی، مدیر آموزش و پرورش تبادکان، در ابتدای این جلسه به فعالیت‌ها و اقدامات شایسته سال گذشته مؤسسه نیکوکاری عماد اشاره کرد و گفت که با کمک این بنیاد، سال گذشته بین ۶۵ هزار دانش‌آموز محروم، صبحانه گرم توزیع شده است. او گفت: یکی از نیازهای مهم دانش‌آموزان تغذیه مناسب است و در این مدت با همت این بنیاد و کمک خیران، بخشی از این نیاز تأمین شده





زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، اینارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه‌قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

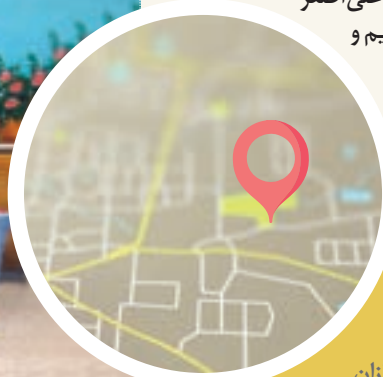
۱ احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



○ غرفه دست‌سازه‌ها که شامل کتاب و کتابچه است، توسط دانش‌آموزان کلاس دوم یک برپا شده است. مرضیه نوروزی، معلم این کلاس، می‌گوید: این‌ها دست‌سازه‌های بچه‌هاست که در کلاس نگارش آماده شده است.



○ علی اصغر مهریزی به همراه هم‌کلاسی‌اش، مهدیار مویانی، دانش‌آموزان مقطع سوم، پشت میز نشسته است و معرفی و فروش کتاب به دانش‌آموزان علاقه‌مند را برعهده دارند. علی اصغر می‌گوید: هر دو ما به خواندن کتاب علاقه داریم و دوست داشتیم دوستانمان را به کتاب خوانی تشویق کنیم.



برگزاری نمایشگاه و غرفه‌های بازی در مدرسه جانبازان شادی و نشاط را برای دانش‌آموزان به دنبال داشت

پروژه خلاقیت با کارگروهی

صدرا به مناسبت هفته بسیج، مسئولان و اولیا و مربیان مدرسه پسرانه جانبازان در محله بهاران با اجرای برنامه‌های متنوع، روز شادی را برای دانش‌آموزان این مدرسه رقم زدند.

برگزاری نمایشگاه دست‌سازه‌های دانش‌آموزان، برپایی پاتوق کتاب و غرفه بازی‌های مختلف از جمله فعالیت‌های این روز بود. هدف از این برنامه، تشویق دانش‌آموزان به کتاب و کتاب خوانی، یادگیری کارگروهی و مهارت‌های ارتباط اجتماعی بود.



○ ماهان مؤید، دانش‌آموز کلاس نگارش، داستان «مهمان ناخوانده»، رانوشته و کتاب را به شکل سیب طراحی کرده است. او می‌گوید: زنگ نگارش را خیلی دوست دارم، چون از کتاب داستان‌هایی که می‌خوانیم ایده می‌گیرم و می‌توانم داستان‌های خودم را بنویسم.



○ ایرج بخشی، مدیر مدرسه، می‌گوید: این اولین باری است که این برنامه در مدرسه اجرا می‌شود. در نظر داریم برنامه‌های مختلفی طی سال تحصیلی اجرا کنیم تا خلاقیت بچه‌ها رشد کند و در کنار یکدیگر با بازی‌های گروهی آشنا شوند.

عکس: صدرا/شهرآرا